



نکته‌ها و ارزشناختی در تربیت کودکان

دکتر عبدالعظیم کریمی / عضو هیات علمی پژوهشگاه تعلیم و تربیت

خطای سازنده

دادن فرصت «آزمون و خطا» و آزادی نسبی در حد توان و ظرفیت کودک، به او کمک می‌کند تا قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود را در «تجربه شخصی خود» بیابد. این آزادی عمل او را از «اقتباس» انفعالی، «تقلید» مکانیکی و «تلقین» تحمیلی، که هر سه از آفات تربیت گلخانه‌ای است، آزاد می‌کند.

دانش و منش در زندگی

چگونه زیستن، چگونه دوست داشتن، چگونه دیدن و چگونه شنیدن بسی مهم‌تر از چقدر دانستن است. اما به نظر می‌رسد آن‌چه امروزه والدین به آن توجه دارند، فربه‌سازی ذهن کودکان به جای زیباسازی قلب آن‌ها و افزایش دانش و اطلاعات مدرسه‌ای بدون توجه به سایر ابعاد وجودی آن‌هاست.

رعایت مراحل و شرایط تربیت

آموزه‌های دینی و یافته‌های علمی نشان می‌دهد که تعلیم و تربیت واجد مراحل، اصول، شرایط و روش‌هایی است که اگر به شکل درست به کار گرفته نشود، هرج و مرج و گسیختگی و اختلال را در شخصیت فرد به بار می‌آورد، تا آن‌جا که هدف تربیت به ضد خود تبدیل می‌شود.

عوامل پنهان و نامرئی

تربیت، جریانی مداوم و پیوسته است که بر اثر تعامل محیط، وراثت و مجموعه شرایط خواسته و ناخواسته رخ می‌دهد. نقش عوامل نامرئی و تصادفی در شکل‌دهی شخصیت کودک بسی مهم‌تر از عوامل آشکار و برنامه‌ریزی شده است.



کودک آدمی پیش از آن‌که زبان به کلام بگشاید، زبان رفتار را می‌فهمد؛ پیش از آن‌که با مشاهده چشم از ما آگاه شود، با مخابره دل از وجود ما نقش می‌گیرد و پیش از آن‌که شنونده پیام‌های لفظی و عمدی ما باشد، تماشگر رفتار طبیعی و غیرعمدی ماست. از این‌روست که نقش والدین در تربیت، پیش از آن‌که هشیارانه، ارادی و عمدی باشد غالباً ناهشیار، پنهان، غیرمستقیم و غیر عمدی است.

روح تربیت

تربیت کودک، صرفاً معطوف به دانستن قواعد و تسلط بر روش‌های تربیت نیست، بلکه «روح دادن» و «معنا بخشیدن» به شرایط و لوازم تربیت نیز هست. همواره بار معنایی کلمات و لحن پنهانی نصیحت‌ها با روح و روان گوینده همراه می‌شود. اگر نیت والدین در انتقال پیام‌ها سالم و سازنده نباشد، هر چند رفتار و کردار درست و زیبا باشد، تأثیر آن ناقص و نافرجام است.

مهارت با هم زیستن

آموزش مهارت «با هم بودن»، «با هم شدن»، «با هم اندیشیدن»، «با هم کار کردن»، «با هم شاد شدن»، «با هم تجربه کردن» و ده‌ها فعالیت گروهی و مشارکتی دیگر، چیزی است که کودکان امروز بیش از گذشته از آن بیگانه شده‌اند. نقش خانه و مدرسه در تقویت و گسترش این مهارت‌های فراموش شده می‌تواند کودکان را به «هم‌وندان» و «شهروندان» موفق آینده تبدیل کند.

حس دینی

برای پرورش «حس دینی» و ارتقای «بینش دینی» کودک، قبل از هر چیز باید جلوه‌های دین در زندگی را با زبانی ساده و شیوه‌ای جذاب و زیبا برای او به نمایش بگذاریم. زیرا بدون «ترغیب» درونی به دین، «تبلیغ» بیرونی ارزش‌های دینی بی‌اثر خواهد بود.